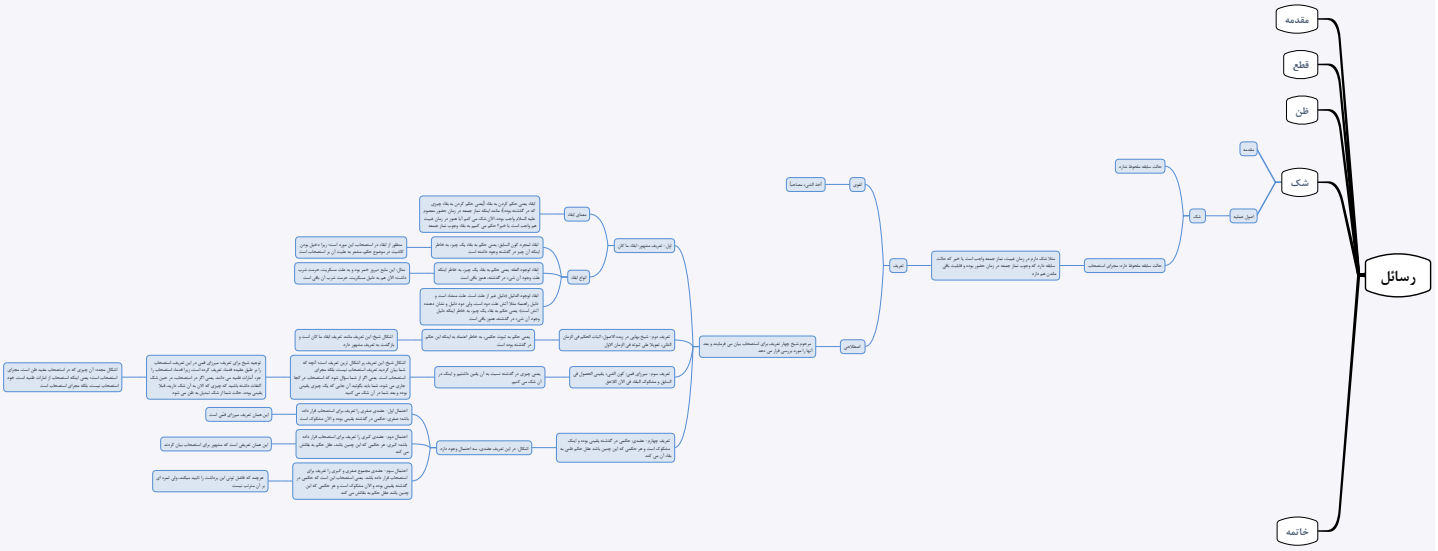
رسائل
مقدمه
قطع
ظن
شک
خاتمه
مقدمه
اصول معنونه
قطع
حالت متلقط مطموط دارد
حالت متلقط مطموط دارد، مجزای استصحاب
مثلا شک دارد در زمان قصبت، نماز جمعه واجب است یا خیر که حالت متلقط دارد، که وجوب نماز جمعه در زمان حضور بوده و الانتیت باقی مانده هم دارد.
تعریف
اصولی
اقدم قدمی، معاصرا
استصلاحی
توضیح شیخ چهار تعریف برای استصحاب بیان می فرماید و نقد آنها را مورد بررسی قرار می دهد.
اول- تعریف مشهور لغة یا اقل
معنای لغة
لغة یعنی حکم کردن به یک آنچیزی حکم کردن به یک چیزی که در گذشته بوده است اینکه نماز جمعه و زمان حضور معصوم علیه السلام واجب بوده الان شک می کنم آیا هنوز در زمان غیبت هم واجب است یا خیر؟ حکمی می کنیم به یک وجوب نماز جمعه
نوع لغة
لغة لوجوده کون السابق یعنی حکم به یک یک چیز به عالم اینکه هنوز وجود آن شیء در گذشته وجود داشته است
مثال: این ماءِ سیرب خیر موجود و به علت مسکوبت حرمت شرب داشت الان هم به علت مسکوبت حرمت شرب آن باقی است
لغة لوجود الدلیل دلیل هم از علت است علت مستمد است و دلیل راهنما مثلا آخر علت خود است ولی خود دلیل و متن معتبر است یعنی حکم به یک یک شیء به عالم اینکه دلیل وجود آن شیء در گذشته هنوز باقی است
تعریف خود شیخ بهایی در زبدة الاصول اثبات الحکم فی الزمان الثانی، لعلولا علی ثبوته فی الزمان الاول
یعنی حکم به ثبوت حکمی به عالم احتمال به اینکه این حکم در گذشته بوده است
اشکال شیخ بر تعریف مانند تعریف لغة، با اقل است و بر گذشت به تعریف مشهور دارد
یعنی بعوری در گذشته نسبت به آن باشر داشتیم و اینک در آن شک می کنیم
تعریف مومو معرکی قمی، کون الشیء بحیث یحتمل فی استمرار وجوده لعلة فی الزمان الاخر
اشکال شیخ این تعریف و اشکال این تعریف است، البته که شما بیان کردید تعریف استصحاب نسبت بلکه مجزای استصحاب است یعنی اگر از شما سوال شود که استصحاب در کجا جاری می شود شما باید بگویید از حالتی که یک بطوری باشی وقتی وجود شما در آن شک می کنید
توضیح شیخ برای تعریف معرکی قمی در این تعریف استصحاب را بر طبق طبیعت قضیه تعریف کرده است، پس قضیه استصحاب، عبارت از ثبات طبیعت می دانند یعنی اگر در استصحاب در حین شک طبیعت داشته باشید که چیزی که الان به آن شک دارید فعلا یقینی بوده باشد اما شما از شک شیء به الان می شود.
اشکال مجدد آن چیزی که در استصحاب مفید ظن است، مجزای استصحاب است یعنی اینکه استصحاب از اثرات طبیعت است خود استصحاب نیست بلکه مجزای استصحاب است
دوم- تعریف مشهور بین اصولیین
تعریف مشهور، بقاء حکم شرعی فی الزمان الثانی لثبوته فی الزمان الاول
تعریف مشهور در بقاء حکم شرعی به عالم اینکه در زمان اول ثبوت داشته است
اشکال در این تعریف عقدی، سه احتمال وجود دارد
احتمال اول- عقدی صغری را تعریف برای استصحاب قرار داده باشند صغری حکمی در گذشته یقینی بوده و الان مشکوک است
این همان تعریف مجزای قبلی است
احتمال دوم- عقدی کبری را تعریف برای استصحاب قرار داده باشند کبری هر حکمی که این چنین باشد، عقل حکم به بقائش می کند
این همان تعریفی است که مشهور برای استصحاب بیان کردند
احتمال سوم- عقدی مجموع صغری و کبری را تعریف برای استصحاب قرار داده باشد یعنی استصحاب این است که حکمی در گذشته یقینی بوده و الان مشکوک است و هر حکمی که این چنین باشد عقل حکم به بقائش می کند
هر چند که تقلیل این برداشت را شبه سکقند، ولی نمره ای نه آن سزاوب نیست